

تحلیل مواضع احزاب چپ فرانسه در قبال اتحادیه اروپا ۲۰۱۹-۲۰۰۰

امیرحسین خورشیدوند^۱

چکیده

این پژوهش به علل موافقت و مخالفت احزاب چپ‌گرای فرانسوی با اتحاد اروپا و اینکه این موافقت‌ها و مخالفت‌ها در چه زمینه‌هایی صورت گرفته است خواهد پرداخت و نشان خواهد داد چه سیاستی از سوی احزاب مختلف این کشور در قبال اتحادیه اروپا اتخاذ شده و در آخر شناخت خوبی به خواننده در زمینه تفکرات احزاب چپ فرانسوی در قبال اتحادیه اروپا و همگرایی اروپایی، می‌دهد. روش پژوهش حاضر، دارای رویکردی تحلیلی-توصیفی است. جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و مرور اسنادی صورت گرفته است. نگارنده به تحلیل و توصیف مواضع احزاب چپ فرانسه با اتکا به مانیفست‌های آنها و سایر منابع موجود می‌پردازد. احزاب چپ میانه‌رو و رادیکال در فرانسه در زمینه تأکید بر چندجانبه‌گرایی و محیط زیست و حمایت از حقوق زنان و... دارای نقاط اشتراک و در زمینه بحث بر سر لزوم وجود اتحادیه دارای افتراق هستند

واژگان کلیدی: اتحادیه اروپا، فرانسه، چپ، حزب سوسیالیست، حزب کمونیست.

پژواک جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. کارشناس ارشد روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبایی

مقدمه

اتحادیه اروپا اتحادیه‌ای سیاسی_اقتصادی بین ۲۸ کشور عضو آن است. این همگرایی اروپایی با اتحاد زغال سنگ و فولاد در سال ۱۹۵۱ به مرحله جدیدی وارد شد و با پیمان ماستریخت به شکلی جدید درآمد و معاهده لیسبون وارد بعد تازه ای شد. این اتحادیه در آغاز برای محدود کردن آلمان‌ها در اروپا ایجاد شد و این همگرایی مرحله به مرحله رشد پیدا کرده و به صورت امروزی درآمده که همگرایی نه تنها در امور اقتصادی و تجارت آزاد به نهایت کمال رسیده بلکه برنامه‌های آینده این اتحادیه متکی بر اتخاذ سیاست خارجی مشترک، قانون اساسی اروپایی،^۱ و حتی ارتش اروپایی^۲ و... توسط اتحادیه و ارگان‌های مرکزی آن می‌باشد.

واژه‌ی چپ در علم سیاست از دوران انقلاب فرانسه، که هواداران اصلاحات رادیکال و مخالفان سلسله مراتب سنتی، در سمت چپ پارلمان می‌نشستند آغاز می‌شود. در طول زمان و دوره‌های مختلف این جریان به مرور با تغییر و تحولات گوناگونی همراه بوده و امروزه چپ به مجموعه آرا، نظریات و اندیشه‌هایی که در قالب جریان سوسیالیسم قرار می‌گیرند اطلاق می‌شود. احزاب چپ نیز به طیفی از احزاب سوسیال دموکرات، سوسیالیست، مارکسیست و کمونیست و آنارشیسم و سندیکالیسم اطلاق می‌شود (بشیریه، ۱۳۷۸). جریان چپ به عنوان یک جریان برجسته سیاسی در مقابل راست تعریف می‌شود، اندیشمندان متعلق به این جریان دارای آرا و نظریات متفاوت و گاه در مقابل یکدیگر هستند که نقطه اشتراک آنها در مخالفت با سرمایه‌داری است (والرشتاین، ۱۳۸۱). چپ جریانی مدرن^۳، پیش‌رونده و منتقد سنت است و قرن نوزدهمی و مبتنی بر مدرنیسم که نضج گرفتن آن مصادف است با انقلاب صنعتی است.

۱. البته این همگرایی در حال حاضر با شکست روبرو شده.

۲. هنوز عملی نشده

۳. واژه مدرن برگرفته از واژه ی «مودوی» در لاتین و به معنای جاری است همچنین در قرن پنجم میلادی کلمه «مدرنوس» به معنای دوره مسیحی آن دوره در مقابل دوره رومی قبل بود. در کل می‌توان گفت منظور از مدرن خیلی وقت ها آوان گارد (پیشرو) بوده است. و مشخصه مدرنیته عبارت است از تلاش برای محوریت بخشیدن به انسان به خصوص عقل انسانی در همه شئون. به نقل از مقدمه ی، چاپلدر، پیتر، (رضا رضایی)، مدرنیسم، نشر ماهی، ۱۳۸۲.

خانواده احزاب چپ در اروپا شامل احزاب سوسیالیست، کمونیست و سوسیال دموکرات اروپایی به همراه سایر گروه‌های مشتقل از سوسیالیسم است که اکثریت آنها در سطح جهانی در «انترناسیونال سوسیالیست»^۱ و در سطح اروپا در تشکیلات «حزب سوسیالیست‌های اروپایی»^۲ اجتماع کرده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۳۲۰-۳۱۹)

احزاب چپ پس از سالهای آغازین خود که مخالف عموماً در مخالفت با اتحادیه اروپا بودند لزوم کار با اتحادیه را در یافته‌اند. آنها در کنار موافقت‌ها و مخالفت‌ها و همچنین انتقادات به ساختار اتحادیه روی به کنش جمعی در خود ساختار اتحادیه همچنانکه در بالا ذکر شد و همچنین در سطح ملی در گرفتن مواضع مختلف در قبال اتحادیه آورده‌اند. در حال حاضر نکته تعیین کننده برای چپ در قالب اتحادیه تقابل به صورت «گرایش آزادی گر» چپ‌ها در مقابل «دینامیسم اقتدارگرا» راست در آمده است. (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۵۱) که این گرایش «آزادی گر چپ» در قالب اتحادیه بیشتر به ظهور خواهد رسید تا «دینامیسم اقتدارگرای» احزاب محافظه‌کار.

حزب سوسیالیست فرانسه به عنوان بزرگترین حزب جریان چپ در فرانسه خود دچار شکافی بزرگ است که در سال ۲۰۰۵ بر سر رفراندوم قانون اساسی اروپا این شکاف نمایان تر شد و حتی در انتخابات درون حزبی برای تعیین کاندیدای حزب در درون حزب شکافی عمیق وجود داشت اختلاف در سایر مسائل هم وجود دارد، مثلاً در حوزه‌ی بهداشت عمومی، مهاجرت و حتی برخورد با اسلام افراطی.

در سال ۲۰۰۵ حزب کمونیست^۳ فرانسه با تاکید بر چند موضوع توانست نقش پررنگی در رأی ((نه)) مردم فرانسه به قانون اساسی فرانسه ایفا کند، که از میان آنها می‌توان به تأکید آنها بر اینکه اروپا حتی برای تصویب بودجه به توافق نظر نرسید و دیگر اینکه ایده بازار

^۱ Socialist International

^۲ Party of European socialists(PES)

^۳ Communist party

آزاد، ایده‌های آنگلو ساکسون است و این نقض دیدگاه اجتماعی اروپا در ارتباط با فرانسه است.

کمونیستهای فرانسوی تأکید بر مفهوم اروپای دیگر ((another Europe)) داشتند. و با فعالیت‌هایی از قبیل درست کردن بروشور و تبلیغات گسترده و سعی در آوردن بسیاری از مردم به پای صندوق رأی تمام تلاش خود را برای رأی ((نه)) به قانون اساسی اروپا انجام دادند. تا جاییکه از سوی احزاب مخالف متهم به demagogy^۱ شدند زیرا با استقبال ناگهانی مردم رأی ((نه)) پیروز شد. وعده احزاب چپ رادیکال فرانسه در این مبارزات بر مفهوم another Europe یا different EU متکی بود. حال سؤالی که برای نگارنده پیش آمده این است که احزاب چپ فرانسه چه دیدگاه‌ها و مواضع رسمی در قبال اتحادیه اتخاذ کرده‌اند؟

۱. مبانی نظری

این تحقیق از آنجاییکه از روش توصیفی-تحلیلی استفاده کرده است موضوع را در پرتو نظریه خاصی نمی‌نگرد.

و به همین دلیل به جای مبانی نظری نیازمند چهارچوب نظری می‌باشد. که متکی به مفهوم چپ و حدود و ثغور آن می‌باشد.

واژه‌ی چپ در علم سیاست از دوران انقلاب فرانسه، که هواداران اصلاحات رادیکال و مخالفان سلسله مراتب سنتی، در سمت چپ پارلمان می‌نشستند آغاز می‌شود. در طول زمان و دوره‌های مختلف این جریان به مرور با تغییر و تحولات گوناگونی همراه بوده و امروزه چپ به مجموعه آراء، نظریات و اندیشه‌هایی که در قالب جریان سوسیالیسم قرار می‌گیرند اطلاق می‌شود. احزاب

^۱ این اصطلاح برگرفته از یونان باستان می‌باشد و به معنای سوء استفاده از راه‌های دموکراتیک و دموکراسی است.

چپ نیز به طیفی از احزاب سوسیال دموکرات، سوسیالیست، مارکسیست و کمونیست و آنارشیسم و سندیکالیسم اطلاق می شود.

۲. سوابق پژوهش

۱. سیمون آشورد (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «تغییر تمرکز از مخالفت با اتحادیه اروپا» با استفاده از دو کشور فرانسه و بریتانیا به عنوان مطالعه موردی تحقیق خود به چگونگی تغییر دیدگاه گروه‌ها و احزاب مخالف اتحادیه اروپا در طول زمان می‌پردازد. به عقیده نگارنده این پژوهش، احزاب و گروه‌های مخالف عموماً دلیل مخالفت خود با اتحادیه اروپا را با کلیت این اتحادیه بر اساس دلایل ایدئولوژیک می‌دانند در صورتی که مسائل دیگری در این زمینه نقش بیشتری از مسائل ایدئولوژیک داشته‌اند که در این پژوهش به آن‌ها پرداخته شده است.

۲. هالیکیپوللو و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهش خود با عنوان «پارادوکس ملی‌گرایی: مخرج مشترک راست رادیکال و چپ رادیکال در اروپاگرایی» به بررسی دلایل اروپاگرایی در میان احزاب راست و چپ رادیکال می‌پردازد. به نظر نگارنده، جواب این سوال که چرا هر دوی احزاب راست و چپ رادیکال گرایش زیادی به اروپاگرایی دارند را می‌توان در بکارگیری پارادوکسیکال مفهوم ملی‌گرایی در رهبری این احزاب دانست.

۳. هنری میلنر (۲۰۰۶) در پژوهشی تحت عنوان «نه به اروپا، من این یکی را نمی‌خواهم؛ برخی بازتاب‌های رد قانون اساسی اروپا در فرانسه» به چگونگی پیروزی رأی «نه» در فرانسه می‌پردازد بخصوص نقش احزاب چپ‌گرا در این رأی. و باتوجه به آمار می‌گوید که احزاب مخالف بخصوص حزب کمونیست فرانسه با کشاندن اقبال مختلف به پای صندوق و بیشتر کردن تعداد رای دهندگان و با تبلیغات گسترده خود موجب پیروزی رأی «نه» شدند.

۴. گومز و رامیرو (۲۰۱۷) در پژوهش خود تحت عنوان «فراتر از رکود اقتصادی سال ۲۰۰۸، عوامل اقتصادی و حمایت انتخاباتی از چپ رادیکال در اروپا» می‌گویند که یکی از

مهمترین تحولات سیاسی که در طول رکود بزرگ رخ داده است، رشد رادیکالیسم در برخی از کشورهای اروپایی بوده است. و آنها برخلاف جریان غالب که ادعا دارد رشد سبزها و راست افراطی (بطور کلی احزاب خارج از جریان اصلی) ربطی به مسائل اقتصادی ندارد این دو پژوهشگر با اتکا به داده‌هایی که در سطح فردی در خلال سالهای ۱۹۹۶-۲۰۱۶ و در ۵۶ انتخابات مختلف گرد آوری شده نتیجه می‌گیرند که با بحران اقتصادی و رشد بیکاری و با توجه به اینکه احزاب رادیکال چپ در مسائل اقتصادی فعالیت زیادی دارند بدون توجه به ایدئولوژی این احزاب به آرای آنها افزوده شده است. پس بیکاری، بدون توجه به زمینه سیاسی، چپ رادیکال را تقویت می‌کند، اما به طور قابل توجهی آرایش ایدئولوژیک رای دهندگان خود را تغییر نمی‌دهد.

۵. آندریاس فارگرهولم (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان چپ رادیکال چیست؟ بررسی تطبیقی سیاست‌های احزاب چپ رادیکال در غرب اروپا قبل و بعد از ۱۹۸۹ به بررسی احزاب چپ رادیکال در غرب اروپا می‌پردازد وی اذعان می‌دارد که سقوط رژیم‌های کمونیست در اروپای مرکزی و شرقی، حادثه‌ای برای چپ رادیکال غربی اروپایی بود که موجب تغییر بسیاری از نام‌ها، استراتژی‌های آنها و ایدئولوژی‌های آنها شد. با وجود پیشگویی‌هایی مبنی بر مرگ سیاست ضدسرمایه داری رادیکال، احزاب چپ رادیکال هنوز هم در همه نقاط اروپا وجود دارند، و در بسیاری از کشورها، آنها توانسته‌اند هواداران خود را افزایش دهند. وی در مرحله اول نگرش‌ها را نسبت به معیار چپ و راست را می‌کاود و سپس در مرحله دوم، مسائل مربوط به سیاست‌های خاص احزاب چپ را مورد بررسی قرار می‌دهد. و به این نتیجه می‌رسد که بعضی احزاب چپ مثل سوسیال دموکرات‌ها با فاصله گرفتن از نقطه کانونی چپ به مسائلی مانند محیط زیست می‌پردازند ولی گروه‌های رادیکال‌تر به مانند کمونیست‌ها با تاکید نسبتاً قوی به مسائل قدیمی و مسائل کلاسیک چپ مانند خواسته‌های ملی شدن و نقد امپریالیسم نظامی می‌پردازند.

پژوهشگر	پژوهش	سال انتشار
---------	-------	------------

۱۹۹۷	مدل جایگزین سیاست احزاب کارگری	سویینی
۱۹۹۹	نظم حزبی و مجلس نمایندگان	بولر و همکاران
۲۰۰۶	نه به اروپا، من این یکی را نمی‌خواهم؛ برخی بازتابهای رد قانون اساسی اروپا در فرانسه	هنری میلنر
۲۰۱۲	پارادوکس ملی‌گرایی: مخرج مشترک راست رادیکال و چپ رادیکال در اروپاگرایی	هالیکیپوولو و همکاران
۲۰۱۳	تغییر تمرکز از مخالفت با اتحادیه اروپا	سیمون آشرد
۲۰۱۷	چپ رادیکال چیست؟	فارگرهولم
۲۰۱۷	فراتر از رکود اقتصادی سال ۲۰۰۸، عوامل اقتصادی و حمایت انتخاباتی از چپ رادیکال در اروپا	گومز و رامیرو
۱۳۸۱	احزاب سیاسی و نظامهای حزبی	حسینعلی نوذری
۱۳۸۵	فرانسه و همگرایی اروپایی در دو دهه اخیر	مجید بزرگمهری
۱۳۸۶	نگاهی به همه پرسه‌های قانون اساسی اتحادیه اروپا در فرانسه	رشید انصاریان

۱۳۸۹	احزاب سیاسی در فرانسه	حجت اله ایوبی
------	-----------------------	------------------

جدول شماره ۱: سوابق پژوهش (منبع: نگارنده)

۳. روش تحقیق (یک پاراف)

روش تحقیق این پژوهش توصیفی و تحلیلی می‌باشد و در پرتو نظریه خاصی به موضوع پژوهش نمی‌نگرد. در این پژوهش برای گردآوری داده از روش کتابخانه ای استفاده شده است.

۴. تجزیه و تحلیل

حزب سوسیالیست

در زمان سیادت میتران بر حزب سوسیالیست او دریافت که این حزب برای ماندن بر مسند قدرت باید با همگرایی اقتصادی اروپایی همراه شود، سوسیالیست‌ها سعی کردند بازسازی هویت دولت – ملت را در پرتوی میراث فرهنگی و تاریخی اروپا به انجام رسانند و مستمراً استدلال می‌کردند که آینده فرانسه در اروپا رقم می‌خورد، حتی میتران در سال ۱۹۹۲ اعلام کرد فرانسه سرزمین پدری ما و اروپا آینده ما است. بدین صورت حزب سوسیالیست فرانسه به صورت حزبی سوسیال_دموکرات درآمد. (green, capoarasso, rise, 2001; p212)

چپ فرانسه با این استدلال که فرانسه نقش تمدن ساز خود را در اروپا گسترش می‌دهد به مفاهیم فرهنگی و تاریخی ادبیات فرانسه نگاه تازه‌ای بخشید. در تصویر جدید سوسیالیست‌ها، فرانسه دیگر به عنوان نخستین دولت – ملت در اروپا نبود. کل قاره اروپا و تمامی دول اروپایی، فرزندان روشنگری، دموکراسی و جمهوریت محسوب می‌شوند. (بزرگمهری، مجید، ص ۸۳)

از نظر سیاسی، مواضع حزب سوسیالیست در مورد اروپا مطابق ملاحظیات داخلی حزب تعریف می‌شود: بحث و گفتگو، مسئله ملی، بازی‌های قدرت در درون حزب و در فرانسه و غیره. بنابراین نفوذ جناح‌های مختلف حزب و استراتژی‌های کلی حزب نقشی تعیین کننده دارند. در سطح پارلمان اروپا آنها معتقد به همکاری گروهی با دیگر گروه‌های سوسیالیستی حاضر در پارلمان اروپا می‌باشند و تا موردی به منافع فرانسه مربوط نباشد حزب سوسیالیست معمولاً دخالتی در کار نمایندگان خود در پارلمان اروپا ندارد. و نظرات حزب در قبال اتحادیه کاملاً با «حزب سوسیالیست اروپا»^۱ که به صورت مخفف (PSE) خوانده می‌شود هماهنگ است و چون پارلمان اروپا در مقیاسی بزرگ‌تر فعال است حتی در پیشبرد مسائلی داخلی هم به حزب سوسیالیست کمک می‌کند. و در دهه‌های جدید و تأثیرات دوران میتران بر حزب، سوسیالیست‌ها علاقه زیادی به اتحادیه پیدا کرده و هدف اصلی آنها دموکراتیزه‌تر کردن اروپاست.^۲

به طور کلی در فرانسه حزب سوسیالیست به طور سنتی و به عنوان حزبی میانه‌رو حامی ماندن در اتحادیه اروپا بوده است. اما در سال ۲۰۰۵ شکافی که در این حزب بر سر تصویب قانون اساسی اتحادیه به وجود آمد قابل توجه است به صورتی که جنبش شهروندان^۳ به عنوان یک جناح درون حزبی به رهبری «ژان پیر شومان»^۴ با قانون اساسی اروپا مخالف بود. (انصاریان ۲۳۶، ۱۳۸۶، ۲۳۵)

این شکاف حزب را به دو دسته هواداران رأی «نه» به رهبری «فابیوس»^۵ نخست وزیر سابق فرانسه و یک سمت هواداران رأی «آری» به قانون اساسی به رهبری «فرانسوا اولاند» شد. به نظر فابیوس، این قانون اساسی حداقل شرایطی را که حزب وی در رابطه با حمایت از شغل، حقوق کارگران و تأمین رفاه تعیین کرده است، ندارد. وی معتقد بود که این امر تلاش‌های

¹ Party of European Socialists

² <http://www.mitterrand.org/Le-Parti-socialiste-et-la.html>

³ Movement des Citoyens

⁴ Jean piere Chevenment

⁵ Laurent Fabius

فرانسه برای افزایش اشتغال و جلوگیری از انتقال شرکت‌ها به کشورهای با دستمزد کم و مالیات را تضعیف می‌کند و باید به قانون اساسی اروپا نگاه کرد و نقطه به نقطه در مورد اشکالات آن مذاکره کرد. (Henley 2004)

سیاست این حزب در مقابل اتحادیه اروپا همکاری با دیگر گروه‌های سوسیالیست حاضر در سطح اروپا و پارلمان است که قدرت اثرگذاری بیشتری به آن‌ها می‌دهد بخصوص با «حزب سوسیالیست‌های اروپایی»^۱ می‌باشد و در قالب اتحادیه از بیانیه‌های این حزب پیروی می‌کند.

مانیفست ارائه شده در سال ۲۰۰۴ برای انتخابات پارلمان اروپا که به وسیله حزب سوسیالیست اروپا ارائه شد و مورد تأیید سوسیالیست‌های فرانسه هم بود. متکی بود بر مشکلات و چالش‌های مشترک برای همه کشورهای اروپایی، از جمله محیط زیست، کنترل مرزها، جنایت، مشکلات مرزی و تروریسم به نظر آنها با بهترین وجه از طریق راه‌حل‌های اروپایی برطرف می‌شوند. و اینکه تصمیمات در بروکسل یا استراسبورگ با اینکه خیلی دور به نظر می‌رسند اما در زندگی تمام شهروندان ساکن در اتحادیه مؤثر است. رأی دادن به نامزدهای سوسیال دموکرات، رأی دادن به اتحادیه اروپا است و سوسیالیست‌ها به دنبال آن هستند که عدالت اجتماعی را از طریق ایجاد همبستگی در اتحادیه به دست آورند، این رأی‌گیری برای اتحادیه قدرتمند و اجتماعی اتحادیه اروپا است که موفقیت اقتصادی و امنیت را برای آن فراهم می‌کند اتحادیه‌ای که قادر است با چالش‌های اساسی بیکاری، عدالت اجتماعی، تروریسم بین المللی و مشکلات زیست‌محیطی جهانی مقابله کند. سوسیال دموکرات‌های هر کشوری کاملاً طرفدار اتحادیه موفق و متحد اروپا هستند که منطقه‌ای از صلح و همکاری مبتنی بر مشارکت و حاکمیت قانون است.^۲

¹ Party of European Socialists

² Growing stronger together, Five commitments for the next five years, Manifesto of the Party of European Socialists, for the June 2004 European Parliament elections, 24 April 2004

در سند تصویب شده توسط شورای حزب سوسیالیست اروپایی در سال ۲۰۱۱ آمده است که سوسیالیسم و دموکراسی اجتماعی تاریخ مشترک غنی دارند در زمینه مبارزات برای بهبود زندگی میلیون‌ها نفر از مردم. دولت رفاه، پوشش بهداشت جهانی، آموزش رایگان و تلاش برای حقوق اساسی که هم‌گام با هم برای آن جنگیده‌ایم برای ایجاد جوامع عادلانه‌تر و ایمن‌تر. و ما در قرن بیست و یکم، همچنان برای ایجاد آنها به مبارزه ادامه می‌دهیم. و ادامه می‌دهیم به مبارزه برای ایجاد آینده‌ای بهتر برای همه. این بیانیه مانند دیگر اندیشه‌های چپ هوادار حقوق بشر، محیط زیست، برابری، تعدیل ثروت، و جلوگیری از گسترش نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و سرزمینی، گرفتن جلوی ضررهای جهانی شدن و... است.^۱ (Manifesto of the Party of European Socialists 2004)

این حزب در مورد برگزیت همان نظر «چپ سوسیالیست و محیط زیستی»^۲ اروپا را دارد که در مورد برگزیت متأسف است و اتحادیه اروپا را اتحادی ۴۷ ساله می‌داند که تلاش‌های زیادی برای آن صورت گرفته است. آنها در تلاشند برای تضمین حقوق شهروندان اتحادیه، ساکن در بریتانیا در روند گذار، و بسیار متأسف هستند برای از دست دادن دوستان خود در بریتانیا بخصوص حزب کارگر. آنها معتقدند که این نکته باید روشن باشد، اگر انگلیس بخواهد با اتحادیه اروپا تجارت کند، باید مطابق با استانداردهای اتحادیه، به ویژه استاندارد های اجتماعی و زیست محیطی باشد. ایشان اطمینان می‌دهند که توافق نهایی خطر دامپینگ مالی، اجتماعی و نظارتی را در روابط دو طرف از بین خواهد رفت. به نظر آنها خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا نکته‌ای تأمل برانگیز در دموکراسی اروپایی است که تلاشی برای ساخت دوباره آن باید صورت بگیرد و اتحادیه اروپا باید به وظیفه^۳ اصلی خود برگردد که آن در برگیرنده دموکراسی و احترام به ارزش‌های اساسی ما: سعادت، آزادی و صلح از طریق همبستگی است.^۴ همچنین اتحادیه باید استانداردهای جاه طلبانه اجتماعی و زیست محیطی خود را در مقابل چین، روسیه و ایالات متحده ادامه بدهد و در مقابل چالش‌های بزرگ و بین‌المللی به یک دفاع واقعی اروپایی

¹ <https://www.parti-socialiste.fr/wp-content/uploads/2014/02/declaration-de-principes.pdf>

² social and ecological left

³ vocation

⁴ freedom and peace through solidarity prosperity,

فکر کنند. آن‌ها اطمینان دارند واکنش به این مسئله ابزاری است برای بازسازی اتحادیه که قدم اول آن به دست آوردن دوباره اعتماد مردمی است.^۱

حزب سوسیالیست فرانسه در اعلام موضعی دیگر اعلام کرده است که برگزیت حاصل رأی اکثریت بریتانیایی‌هاست و باید به آن احترام گذاشت اما باید در نظر داشت که ارتباط آینده بریتانیا با اتحادیه باید در چارچوب اتحادیه گمرکی و تجارت آزاد باشد و باید از ساخت مرز فیزیکی در ایرلند جلوگیری شود. حزب سوسیالیست و نمایندگان آن در پارلمان دغدغه مداوم در زمینه دفاع، ارتقاء و تقویت اتحادیه اروپا را دارند و در آن سهیم‌اند. انگلیس پس از خروج خود از اتحادیه اروپا، به عنوان یک کشور اروپایی عضو بسیاری از سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دیگر باقی خواهد ماند که قوانین و تعهدات خود را در قبال آن باید ادامه دهد. بنابراین، بریتانیا یک عضو کامل شورای اروپا^۲ است که در ایجاد آن در سال ۱۹۴۹ نقش داشت، باید به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و منشور اجتماعی اروپا که امضا کننده آن است احترام بگذارد. همین مسئله در مورد امنیت جمعی (OSCE) و دفاع (ناتو) نیز صدق می‌کند. اتحادیه اروپا که هم‌اکنون از طریق "همکاری دائمی ساختار یافته"^۳، در این زمینه صلاحیت‌های خود را دارد می‌تواند و باید مذاکره را با مقامات انگلیس در مورد این موضوعات ادامه دهد.^۴

حزب سوسیالیست فرانسه هوادار طرح‌های محیط‌زیستی می‌باشد و در یک موضع‌گیری در سایت خود اینگونه بیان می‌کند که بیش از هر زمان دیگری، در مواجهه با شرایط اضطراری آب و هوا، در مقابل افزایش نابرابری‌ها، در مواجهه با بحران دموکراتیک، اروپا به یک پروژه جدید اجتماعی و زیست محیطی احتیاج دارد.^۵

^۱ <https://www.parti-socialiste.fr/vote-final-sur-le-brexit-apres-la-tristesse-et-la-responsabilite-place-a-lavenir-de-notre-union/>

^۲ Council of Europe

^۳ ، یکی از مفاد معاهده لیسبون در زمینه دفاع permanent structured cooperation

^۴ <https://www.parti-socialiste.fr/brexit-j-1-an-lunion-europeenne-ne-sortir-affaiblie-negociations/>

^۵ <https://www.parti-socialiste.fr/le-ps-condamne-laccord-de-bruxelles-sur-la-repartition-des-responsabilites-europeennes/>

آنچه از گفته‌های بالا برمی‌آید. موضع رسمی حزب سوسیالیست فرانسه (ورای اختلافات موجود در آن) حمایت کامل از اتحادیه و نهادهای آن می‌باشد. و دیگر گفتن اینکه آنها هوادار کنش جمعی، محیط زیست و... هستند تکرار مکررات است. تنها نکته قابل ذکر این است که آنها هم همچون چپ‌گرایان انگلیسی خواستار تغییر در اتحادیه می‌باشند.

حزب کمونیست

حزب کمونیست از بزرگترین مخالفان پیمان ماستریخت بود که جامعه اروپایی را مخلوق سرمایه‌داری و حاصل ضدیت با شوروی می‌دانست. (بزرگمهری: ۸۴) در سال ۲۰۰۵ حزب کمونیست فرانسه با رهبری «ماری ژرژ بوفه»^۱ کانون تجمع مردمی بود که از سیاست‌های اروپا ناراضی بودند و خود را در خطر از دست دادن شغل و افت سطح رفاه می‌دیدند. (انصاریان، ۱۳۸۶) این حزب عضو «حزب چپ اروپا»^۲ می‌باشد.

سال ۲۰۰۵ سالی بود که حزب کمونیست با اینکه تبدیل به حزب کوچک و به اصطلاح حزب سالمندان شده است توانست اثرگذاری خود را در شرایط خاص به رخ سایر احزاب بکشد. و در همان سال هم مثل امروز بحث آنها بر مبنای اتحادیه اروپا به صورتی دیگر بود. نکته‌ای جالب که در نقد عملکرد حزب کمونیست در جریان همه‌پرسی اتفاق افتاد، اتهامی بود که حول محور دو مفهوم *demagogy*^۳ و *social dumping*^۴ بود. (milner, 2006: p258) این حزب تنها حزبی بود که نمایندگان آن در سال ۲۰۰۵ به تغییر قانون اساسی فرانسه به دلیل همخوان شدن با قانون اساسی اروپا رأی منفی داد.

^۱ Marie Georges Buffet

^۲ Party of the European Left

^۳ به معنای استفاده از ابزار دموکراتیک برای رسیدن به نتیجه‌ای غیر دموکراتیک. به معنای مدنظر احزاب مخالف حزب کمونیست (عوام فریبی) می‌باشد. به معنای دیگری گفتن دروغ و سواستفاده از احساسات مردم برای گول زدن آنها.

^۴ سیاست انقباض اجتماعی، به معنای کشاندن طیف گسترده‌ای از مردم به پای صندوق رأی؛ افزایش تعداد رأی دهندگان احتمال پیروزی گروه به کاربرنده این حربه را افزایش می‌دهد.

برنامه سال ۲۰۱۷ حزب برنامه ای به شدت ضد سرمایه‌داری و هوادار طبقات پایین جامعه و تضمین حقوق برابر، حفظ محیط زیست، حمایت از بازنشستگان و برابری جنسیتی می‌باشد. همچنین هوادار ترویج فرهنگ صلح برای پایان دادن به هرج و مرج جهانی، اصلاح طرح‌های مهاجرت و کمک به مهاجران و همچنین عمل زیر نظر سازمان ملل متحد و چند جانبه‌گرایی در حل معضلات بین‌المللی است (La France en commun, Les communistes proposent, 2017)^۱

آنها معتقدند راهکارهای اتحادیه در مقابل بحران مالی سال ۲۰۰۸ وضع مردم را بدتر کرده است و اتحادیه اروپا در مقابل نظر مردم که مخالف طرح‌های ریاضت اقتصادی‌اند به دستگاهی ضد دموکراسی تبدیل شده است و سطح بی‌اعتمادی در حدی است که چشم انداز همکاری منطقه ای مبهم است و برگزیت و ظهور راست افراطی و عوام‌فریبی خود شاهدهی بر این ماجراست. اما اتحادیه‌ای در مقیاس اروپا می‌تواند کارویژه‌هایی هم داشته باشد از جمله مقابله با قدرت پولی بین‌المللی و مقابله با چالش‌های بزرگ جهانی باشد آن هم با یک شرط این که دولتی چپ در فرانسه که قاطعانه مخالف ریاضت اقتصادی است با استفاده از نفوذ فرانسه و متحد با دولت‌ها و جوامع مدنی که با منطق فعلی مبارزه می‌کنند همکاری کند.

پروژه حزب کمونیست این است که فرانسه تلاش کند برای ایجاد اتحادیه‌ای مردمی، آزاد، قدرتمند و وابسته به یکدیگر، علاقه مند به سرمایه‌گذاری برای توسعه مشترک، تضمین حقوق اساسی بشر و اقدام برای تغییر مسیر جهانی شدن. پروژه حزب این است که فرانسوی‌ها و اروپایی‌ها، بازیگران این تحول از طریق فرآیندهای دموکراتیک بی‌سابقه‌ای که حاصل کنش جمعی است، باشند. (La France en commun, Les communistes proposent, 2017p:69)

^۱<https://d3n8a8pro7vhmx.cloudfront.net/pcf/pages/3003/attachments/original/1540393355/programme.pdf?1540393355>

آنها طرفدار این هستند برای کشورهایی که توان باز پرداخت وام‌های خود را به فرانسه ندارند در شرایط بازپرداخت وامشان به فرانسه تجدید نظر شود و یا برای کشورهایی با بیشترین مشکل یک‌طرفه بخشیده شود. در مسائل اتحادیه نیز معتقد به مردمی‌تر کردن اتحادیه و حمایت از کارگران از طریق ایجاد مجمعی برای نمایندگان کارگران، تلاش برای حفظ محیط زیست از طریق سازو کارهای موجود در اتحادیه و... می باشد. تغییر در معاهدات تجاری برای کنترل تجارت برای توسعه کالاهای مشترک، انطباق با معاهده پاریس و ایجاد سازکاری انسانی‌تر در قبال مهاجران، برگزاری کنفرانس‌های مختلف برای عاری کردن اروپا از سلاح‌های هسته‌ای و کشتار جمعی و به جای ساخت سلاح‌های بیشتر رفتن به سمت «دفاع مشترک»، تجدید نظر در سیاست همسایگی اتحادیه اروپا در قبال شرق و حوزه مدیترانه. از دیگر اولویت‌های حزب در قبال اتحادیه است. (همان، 69-72)

در جزوه انتخابات اروپای حزب^۱ در سال ۲۰۱۸ آمده است که ثروت تولید شده توسط کارگران اروپا در سالهای ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ از ۱۵ هزار میلیارد یورو به ۱۷ هزار میلیارد یورو افزایش پیدا کرده در حالی که درصد کارگران فقیر از ۷ به ۱۰ درصد رسیده. حزب کمونیست مخالف معاهده‌ای اروپایی و جابجایی شرکت‌ها در اتحادیه اروپا می‌باشد آنها می‌گویند یک کارگر فرانسوی باید با یک قرارداد فرانسوی حمایت شود و مالیات ناشی از کار یک کارخانه در یک کشور باید نصیب همان کشور بشود. و به جای آنکه ۳۰۰۰ میلیارد دلار سالانه به بانک‌های خصوصی داده شود باید در راه خدمات عمومی خرج بشود.

حزب کمونیست فرانسه در مسائل اجتماعی و زیست محیطی بسیار رادیکال موضع‌گیری می‌کند و نوک اغلب انتقادات این حزب بخصوص در مسئله حقوق زنان به سوی سرمایه‌داری و زندگی مصرف‌گرایانه سرمایه‌داری و کالایی شدن بدن است.^۲

^۱ Tract Elections européennes

^۲ https://d3n8a8pro7vhm.cloudfront.net/pcf/pages/3050/attachments/original/1541358039/document-tract_a5_camp_europe_1er.pdf?1541358039 <https://d3n8a8pro7vhm.cloudfront.net/pc>

حزب کمونیست، انگلستان را بزرگ‌ترین محل فرار مالیاتی می‌داند، در جزایری مانند کیمن، جزایر ورجین انگلیس، برمودا و... که برگزیت عاملی تسهیل کننده در این امر است و همین حالا یک سوم فرارهای مالیاتی به سوی انگلستان است و بریتانیا به در حال تبدیل شدن به بزرگ‌ترین محل فرار مالیاتی است. و همچنین آن‌ها منتقد آزاد سازی تجارت و دارو بین انگلستان و ایالات متحده هستند و منتقد سیاست کلی دولت‌های «ترامپ» و «جانسون» هستند و این سیاست‌ها را تهدیدی برای معیارهای اجتماعی و زیست محیطی در انگلستان می‌دانند. کمونیست‌ها معتقدند که اگر تصمیم مردم بریتانیا برای خروج باید اجرا شود اما نباید منافع ملت‌های اروپایی را به خطر بیاندازد و صلح در ایرلند را به خطر بیاندازد، حزب کمونیست از احزاب چپ بریتانیا که در این راه مبارزه می‌کنند حمایت می‌کند.^۱

در نهایت این حزب همان نظری که سال ۲۰۰۵ داشت را امروز نیز دارد و آن مخالفت با ساختار نفولیبرالی اتحادیه اروپا و نقد به سلب بیشتر حاکمیت ملی از دولت‌ها و دغدغه‌های محیط زیستی است اما نظر رسمی حزب بر این است که با این تفاسیر اتحادیه کاربردهای زیادی در زمینه تأمین امنیت و چندجانبه گرایی بین‌المللی دارد که این چندجانبه‌گرایی خود مانعی در قبال ایالات متحده می‌باشد. و در نهایت نظر حزب مبنی بر حفظ اتحادیه و تغییر آن در راستای سیاست‌های سوسیالیستی‌تر می‌باشد. در حقیقت بودن آن منافع بیشتری را حداقل در امنیت و مسائل زیست محیطی و اجتماعی تضمین می‌کند.

احزاب کوچکتر

در سال ۲۰۰۵ و در مقابل قانون اساسی اروپا دو حزب «مبارزه کارگری»^۱ و «جامعه کمونیستی انقلابی»^۲ مخالف قانون اساسی بودند.^۳ حزب «جامعه کمونیستی انقلابی» جزو گروه رادیکال «چپ ضد سرمایه داری»^۴ است. حزب جامعه یا لیگ کمونیستی انقلابی پس یک ادغام همچنان که در فصل قبل توضیح داده شده است با عنوانی جدید (NPA) فعالیت می‌کند که یکی از اصول فعالیت‌های آنان ضد سرمایه‌داری بودن و تلاش برای جلوگیری از خصوصی‌سازی به عنوان مثال پست، مخالفت با اخراج مهاجرین غیرقانونی و... فعالیت می‌کند.^۵ در مورد برگزیت موضع آن‌ها طرفداری از اسکاتلند، و ولز که بیشتر مردمش خواهان ماندن بودند و حمایت از اتحاد ایرلند است و انگلستان را در این زمینه امپریالیست می‌داند و در تحولات انگلستان از حزب کارگر حمایت می‌کند و معتقد است با تغییر کوربین و رفتن حزب به سمت چپ می‌تواند در مقابل محافظه‌کاران دوباره قد علم کند. آن‌ها برگزیت را ناشی از قدرت گرفتن راست افراطی می‌داند.^۶

آنها انتقاد شدیدی به سیاست مهاجرت اتحادیه وارد می‌کنند و اروپا را جانی خطاب می‌کنند که آنها با ایجاد قلمروی چند ضلعی^۷ دریای مدیترانه را به گورستانی انسانی برای مهاجران تبدیل کرده است و به جای کمک به مهاجران افرادی که کمک می‌کنند را دستگیر می‌کند و این سیاست‌ها باید در چارچوب عمومی یک قلمرو چند ضلعی که مانع از دسترسی به قلمرو اروپا می‌شود، دیده شود: صدور محدودیت ویزا، ساخت دیوارها، کنترل نظامی مرزهای هوایی، زمینی و دریایی، بازگشت اجباری به کشورهای مبدأ و برون‌سپاری کنترل مهاجرت به

^۱ Lutte Ouvrière

^۲ Ligue Communiste Révolutionnaire

^۳ انصاریان، رشید، نگاهی به همه پرس‌های قانون اساسی اتحادیه اروپا در فرانسه، اطلاعات سیاسی اقتصادی ۱۲۸۶

شماره ۲۳۶، صفحات ۲۳۶-۲۳۵

^۴ European Anti-Capitalist Left

^۵ <https://npa2009.org/content/lintroduction-du-congr%C3%A8s-par-myriam-duboz-can-sortant>

^۶ <https://npa2009.org/actualite/international/brexit-annee-zero>

^۷ Territoire

کشورهایی که دموکراسی کم یا اصلاً ندارند، مانند لیبی و اینها را ناشی از راست افراطی می‌داند و در این راه امانوئل ماکرون را نیز بی‌نصیب نمی‌گذارد به نظر حزب جدید ضد سرمایه‌داری ما نمی‌توانیم روی دولت‌های موجود در اروپا یا نهادهای بین‌المللی حساب کنیم. ما برای تحمیل آزادی جابجایی و تسویه حساب، باید همبستگی واقعی بین‌المللی ایجاد کنیم، و این تنها راه جلوگیری از کشتار مهاجران است.^۱ خلاصه اینکه این حزب در کل به دولت‌ها، اتحادیه اروپا و راست افراطی بدبین این است و نقد شدید الحنی به سیاست‌های ریاضتی و مهاجرتی اتحادیه وارد می‌کند به صورتی که از کشورهای عضو اتحادیه نیز قطع امید کرده و به دنبال ایجاد همبستگی مردم در سطح اروپا است.

حزب دیگر در چپ افراطی حزب نبرد کارگری است که این حزبی تروتسکیست می‌باشد و در قضیه اوکراین می‌گوید این کشور در رقابت بین پوتین و امپریالیسم له می‌شود و به دنبال انقلاب پرولتاریا می‌گردد و به لنینیسم باور دارد و هنوز خاطره‌ای خوش از شوروی و مدل اقتصادی آن دارد و در قضیه اوکراین معتقد است سرمایه‌داری جهانی به دنبال استثمار کشورهای بازمانده از شوروی است و سال‌هاست این کشور در هرج و مرج ناشی از این مسئله و اسیر بوروکرات‌های تجاری و الیگارش می‌باشد. و اتحادیه اروپا جز اشک و خون هیچ ره‌آوردی برای اوکراین و کارگزارانش ندارد.

در سال ۲۰۰۹، تقریباً ۲۰ سال پس از تجزیه اتحاد جماهیر شوروی، رهبران اروپایی قرارداد اتحاد را به اوکراین و پنج جمهوری دیگر شوروی سابق پیشنهاد دادند. این یک توافق نامه تجارت آزاد بود که به شرکت‌های غربی امکان می‌داد محصولات خود را بدون مالیات و بدون مانع، محصولات خود را بفروشند. این یک توافق نابرابر است. در بازار سرمایه‌داری، طبقه کارگر این حمله غرب به مشاغل خود، برچیدن منظم اقتصادشان و افزایش بیکاری را مشاهده کردند. در نهایت صندوق بین‌المللی پول برای وام دادن چند میلیارد به اوکراین، اجرای یک سیاست ریاضت اقتصادی را پیشنهاد می‌کند: افزایش سن بازنشستگی؛ دو برابر یا سه برابر شدن قیمت

¹ <https://npa2009.org/actualite/international/europe-criminelle-ouvrez-les-frontieres>

گاز و برق برای جمعیت؛ کاهش شدید دستمزدها، حقوق بازنشستگی، مزایای اجتماعی، و درآمد کارمندان خدمات عمومی.^۱

آنها به صورتی کاملا شفاف مخالف اتحادیه اروپا هستند و ساختار آنرا امپریالیستی می‌دانند. آنها حزبی رادیکال می‌باشند تا جایی که کاندیدای آنها در انتخابات سال ۲۰۱۹ پارلمان اروپا «ناتالی آرتاد» خواستار تشکیل «ایالات متحده سوسیالیست»^۲ شد.^۳ برای مشاهده و مطالعه بیشتر در مورد مواضع این حزب می‌توان به آدرس وب سایت آنها که در قسمت منابع ذکر شده مراجعه کرد.

حزب چپ دیگری که به آن پرداخته خواهد شد به رهبری «ژان لوک ملانشن»^۴ در سال ۲۰۱۶ تشکیل شد؛ تحت عنوان «فرانسه تسلیم ناپذیر»^۵ خواهد بود.

ملانشن رهبر این حزب از حامیان بزرگ رأی «نه» به قانون اساسی اروپا در سال ۲۰۰۵ بود. او که کاندیدای ریاست جمهوری فرانسه در سال ۲۰۱۷ و با حمایت حزب کمونیست و اکثریت گروه‌های رادیکال چپ بود. مخالفتی آشکار با اتحادیه اروپا و طرح‌های ریاضتی آن دارد.^۶ او که هوادار تشکیل جمهوری ششم است او در سخنانی گفته بود که اتحادیه اروپا به دلیل اجرای طرح‌های نئولیبرالی فاسد شده است. و خواستار اعمال حاکمیت مردم فرانسه در معاهدات بین‌المللی شده بود و خواسته بود که فرانسه از ناتو خارج شود.^۷ البته خود او عضو پارلمان اروپاست.

^۱ <https://www.lutte-ouvriere.org/documents/archives/cercle-leon-trotsky/article/un-quart-de-siecle-apres-l>

^۲ Les États-Unis sont socialistes

^۳ <https://www.lutte-ouvriere.org/en-regions/centre-val-de-loire/presse/nathalie-arthaud-appelle-de-ses-voeux-des-etats-unis-socialistes-deurope-120094.html>

^۴ Jean-Luc Mélenchon

^۵ La France Insoumise

^۶ <https://www.humanite.fr/la-france-insoumise-detaille-son-projet-et-son-calendrier-618307>

^۷ <https://www.france24.com/en/20120406-french-far-left-rally-behind-anti-nato-melenchon-toulouse-hollande-sarkozy-election>

از نظر این حزب، اتحادیه اروپا مرده است و اروپایی نیست. آنها خواستار خروج از معاهدات اتحادیه هستند که فرانسه را وادار به اجرای طرح‌های ریاضتی می‌کند تا کشور و سرمایه‌گذاری‌های عمومی آن را نابود نکند. استقلال فرانسه دیگر نباید قربانی وسواس ایدئولوژیک کمیسیون اروپا شود که مانع از پیگیری سیاست‌های پیشرفت اجتماعی شود. این اتحادیه دستاوردهای اجتماعی کشورها را بلعیده است. این کار به حقوق بازنشستگی‌های مردم حمله می‌کند و خدمات عمومی را نابود می‌کند، که باید دائماً کالایی، آزادسازی شده و به بخش خصوصی فروخته بشوند. تجارت آزاد را علیه مردم و طبیعت تحمیل می‌کند. این زندگی و سلامتی مردم را آلوده می‌کند. الیگارش حاکم از زیر مجموعه پیمان‌های اروپایی برای تحقیر مردم استفاده می‌کند. آنها مخالف این نوع از اتحادیه اروپا هستند و در حقیقت انگیزه آنها برای حضور در پارلمان اروپا جلوگیری از همین ضررها و اصلاح آن است. در حال حاضر آنها کاملاً مخالف اتحادیه هستند. (L’Avenir en commun, en Europe aussi! 2019:4)

در کل احزاب چپ افراطی اتحادیه اروپا را ساختاری زاده سرمایه داری و امپریالیسم می‌دانند و آنرا ابزاری برای تسلط ثروتمندان بر کارگران و فقرا می‌دانند آنها هوادار تعاملی در سطح جهانی هستند اما چیزی به نام هم‌گامی کارگران جهان برای براندازی سرمایه داری هستند نه چیزی به نام اتحادیه اروپا.

نتیجه

تأکید کلی جریان چپ در فرانسه بر حول محور سیاست‌های محیط‌زیستی، حمایت از حقوق کارگران، تأکید بر معضلات بین‌المللی که راهکار آن هم کنش‌های بین‌المللی می‌باشد و همچنین سوار شدن تمام استدلال‌ها بر دلایل اقتصادی و تأثیر بازار آزاد اتحادیه بر اقتصاد کشور به خصوص وضع معیشتی مردم عادی متکی است. و تأکید بر این محورها شاخص اصلی شناخت چپ فرانسوی و خط مشی آن‌ها در قبال اتحادیه اروپا است. چپ فرانسه معتقد به کنش جمعی و چندجانبه‌گرایی بین‌المللی، حمایت از محیط زیست، حمایت از حقوق اقشار آسیب پذیر، حمایت از حقوق زنان، تأکید بر اصلاح اتحادیه، احترام به حاکمیت

کشورهاست. وهمچنین تأکید زیادی بر روی آثار مخرب نئولیبرالیسم اتحادیه، بر اقشار کم درآمد و کارگران به خصوص از جانب حزب کمونیست فرانسه می‌شود. در مقابل این نقاط اشتراک نقاط افتراقی وجود دارد و آن این است که چپ افراطی فرانسه کاملاً به دنبال براندازی سیستم اتحادیه به عنوان ساختاری نئولیبرالی است. فرضیه اصلی پژوهش که احزاب چپ میانه‌رو و رادیکال در فرانسه در زمینه تأکید بر چندجانبه‌گرایی و محیط زیست و حمایت از حقوق زنان و... دارای نقاط اشتراک و در زمینه بحث بر سر لزوم وجود اتحادیه دارای افتراق هستند مورد تأیید قرار می‌گیرد.

منابع

- انصاریان، رشید (۱۳۸۶) نگاهی به همه‌پرسی قانون اساسی اتحادیه اروپا در فرانسه، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۲۳۶، صفحات ۲۳۶_۲۳۵
- بزرگمهری، مجید. (۱۳۸۵) فرانسه و همگرایی اروپایی در دو دهه اخیر، *مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان* سال هجدهم، شماره دوم.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۸). *تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم*. جلد اول. تهران. نشر نی
- طباطبایی، سیدمحمد. (۱۳۹۷). *سیاست و حکومت در اروپا*. تهران. سمت
- والرشتاین، ایمانوئل. (۱۳۸۱). *سرمایه داری تاریخی*. یوسف نراقی. تهران. نشره قطره

Green, C., M., J. Caporaso and T. Risse. (2001). *Transforming Europe, Europeanization and domestic change*. London: Cornell University Press

john, Henley, Euro fighters, theguardian, 1 dec 2004 9.

Growing stronger together, Five commitments for the next five years, Manifesto of the Party of European Socialists, for the June 2004 European Parliament elections, 24 April 2004

Henry Milner, “YES to the Europe I want; NO to this one.” Some Reflections on France’s Rejection of the EU Constitution, *Political Science and Politics. Vol. 39, No. 2 (Apr., 2006), pp. 257-260*

La France en commun, Les communistes proposent, 2017

La France insoumise, L’Avenir en commun, en Europe aussi! 2019

DAPHNE HALIKIOPOULOU , KYRIAKI NANOU & SOFIA VASILOPOULOU. The paradox of nationalism: The common denominator of radical right and radical left euroscepticism

Raul Gomez, Luis Ramiro, Beyond the 2008 Great Recession: Economic factors and electoral support for the radical left in Europe. Party Politics 1–11^a The Author(s) 2017

Simon Usherwood, The Shifting Focus of Opposition to the European Union, *Journal of Contemporary European Research* Volume 9, Issue 2 (2013)

Fagerholm, andreas, What is left for the radical left? A comparative examination of the policies of radical left parties in western Europe before and after 1989. published (2016).

<https://doi.org/10.1080/14782804.2016.1148592>.

www.mitterrand.org

www.parti-socialiste.fr

www.pcf.fr

www.npa2009.org

www.lutte-ouvriere.org

www.humanite.fr

france24.com